

معناشناسی واژه عذاب و ترکیب‌های اضافی آن در قرآن کریم با تاکید بر رابطه هم‌نشینی

حسین مهتدی^۱ (دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران)
نوش آفرین مرسلی (کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۸

تاریخ الوصول: ۲۰۲۱/۰۴/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۱

صفحات: ۱۸۱-۲۰۲

تاریخ القبول: ۲۰۲۲/۰۷/۰۲

چکیده

معناشناسی شاخه‌ای از دانش زبان‌شناسی است که نقش مهمی در فهم قرآن مجید دارد؛ زیرا از طریق بررسی واژگان در سیاق آیات می‌توان به معنای دقیقی از واژه دست یافت. مفهوم «عذاب» از مفاهیم پربسامد در قرآن کریم است که به تنهایی نتیجه طبیعی عمل فرد است و دلالت بر شدت ندارد؛ اما هم‌نشینی آن در ترکیب‌های اضافی با کلماتی چون: «حریق»، «سعیر»، «حمیم» و غیره حالت و شدت آن را بیان می‌کند. نگارندگان برآنند تا به این سؤال مهم پاسخ دهند که ترکیب‌های اضافی واژه‌ی عذاب بر اساس رابطه‌ی هم‌نشینی چه تأثیری در معنا و تفسیر این واژه دارند؟ ساختار آیات «عذاب» در ترکیب‌های اضافی، نشان‌دهنده تأثیر این مفاهیم بر واژه‌ی عذاب و حد و مرز این واژه همراه مضاف الیه‌های گوناگون آن است؛ به عنوان مثال عذاب حمیم نشان‌دهنده‌ی عذاب با آبی جوشان در انتها درجه حرارت است. عذاب سعیر نشان‌دهنده‌ی عذاب با آتشی است که زبانه کشیده و سوزنده است به همین جهت آتش در عود را به دلیل نداشتن این شرایط سعیر نمی‌گویند. اکثر آیات عذاب در ترکیب‌های اضافی آن آخروی و فقط در چهار آیه دنیوی است و در بیشتر آیات شدت عذاب آخرت با کلمات اکبر، ابقی، اشد، أشقّ و آخری نشان داده شده که نشان می‌دهد این عذاب بزرگ‌تر و سخت‌تر از عذاب دنیایی است. این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی روابط واژه‌ی «عذاب» را با دیگر مفاهیم هم‌نشین آن در ترکیب‌های اضافی مورد تحلیل قرار می‌دهد تا تأثیر این ترکیب‌ها بر واژه‌ی عذاب و حد و مرز این واژه در آنها مشخص شود.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، معناشناسی، رابطه هم‌نشینی، عذاب، تفسیر.

كلمة "عذاب" و تركيباته الإضافية في القرآن الكريم مع التأكيد على علاقة المصاحبة

الملخص

علم الدلالة فرع من فروع علم اللغة ويلعب دورًا مهمًا في فهم القرآن الكريم. لأنه من خلال فحص الكلمات في سياق الآيات ، يمكن تحقيق المعنى الدقيق للكلمة . يعتبر مفهوم "العذاب" من أكثر المفاهيم شيوعًا في القرآن الكريم ، وهو نتيجة طبيعية لأفعال المرء وحدها ولا تنطوي على شدة. لكن مرافقته في تركيبات إضافية مع كلمات مثل: «حريق»، «سعير»، «حميم» إلخ ، يعبر عن حالتها وشدها. إن سياق آيات "العذاب" في تركيبات إضافية يبين تأثير هذه المفاهيم على كلمة عذاب وحدود هذه الكلمة مصحوبة بإضافاتها المختلفة ، على سبيل المثال ، عذاب الحميم يشير إلى غليان الماء في أقصى درجات الحرارة ؛ وعذاب السعير يدل على عذاب نار مشتعلة وتحترق ، فلا تسمى نار البخور بسعير لعدم توافر هذه الشروط. غالبية آيات العذاب في تركيباتها الإضافية تتعلق بالآخرة وفي أربع آيات تتعلق بالعذاب الدنيوية ، وفي معظم الآيات حيث شدة عذاب الآخرة مع كلمات أكبر ، أبقي ، أشد ، أشق وأخزى ، ويدلّ هذا على أن العذاب الأخرى أعظم وأشد من العذاب الدنيوى. يستخدم هذا البحث المنهج الوصفى التحليلي لتحليل العلاقة بين كلمة "عذاب" والمفاهيم الأخرى المصاحبة لها في تركيبات إضافية.

الكلمات الرئيسية: القرآن الكريم، علم الدلالة، علاقة المصاحبة، العذاب، التفسير.

۱- مقدمه

معناشناسی یکی از روش‌های نسبتاً جدید و بخشی از دانش زبان‌شناسی است که نقش مهمی در فهم قرآن مجید دارد. رویکرد معناشناسانه در حوزه‌ی متون دینی، از جمله قرآن و نهج‌البلاغه، سابقه‌ی چندانی ندارد. توشیهیکو ایزوتسو (۱۹۱۴-۱۹۹۳م) اسلام‌شناس و زبان‌شناس و فیلسوف معروف ژاپنی از نخستین کسانی است که به‌طور جدی، به این رویکرد معناشناسانه در قرآن توجه کرده است. ایزوتسو معناشناسی را تحقیق و مطالعه در کلمات کلیدی زبان به منظور درک جهان‌بینی قومی که با آن زبان سخن می‌گویند، می‌داند (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۴). در زبان‌شناسی جدید معنای واژگان را از دو دیدگاه «زمان‌گذر» و «هم‌زمان» می‌توان بررسی کرد و دیدگاهی که از برش خطوط تاریخی کلمات به دست می‌آید و این فرصت را برای ما فراهم می‌کند تا نظام ایستایی از کلمات به دست آوریم دیدگاه هم‌زمانی می‌گویند (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۴۰-۳۹). معناشناسی در زمانی (تاریخی) از بحث ما خارج است؛ زیرا منظور ما از معناشناسی در این نوشتار معناشناسی هم‌زمانی (توصیفی) است و در معناشناسی هم‌زمانی رابطه‌ی هم‌نشینی میان واژه‌ها مورد نظر است. «تشخیص معنای واژه از طریق معنی واژه‌های هم‌نشین آن را هم‌نشینی گویند؛ زیرا واژه‌ها در هم‌نشینی می‌توانند معانی خاص به خود بگیرند» (پالمر، ۱۳۹۱: ۱۶۱) در کاربرد واژه‌ها گاهی از ترکیب واژه‌ها در جمله استفاده می‌شود که این ترکیب هم‌نشینی نام دارد و در محور هم‌نشینی با ترکیب کار داریم (قنبری، ۱۳۹۵: ۱۳۶)؛ بنابراین هم‌نشین‌های یک واژه الفاظی هستند که در جوار آن واژه قرار گرفته‌اند و هدف از شناسایی ترکیب‌های اضافی هم‌نشین عذاب در این پژوهش بررسی نقش و تأثیر این واژگان بر عذاب و مشخص کردن حد و مرز این واژه همراه آنها است.

بررسی واژه‌ی «عذاب» در قرآن کریم با توجه به مجاورت ترکیب‌های اضافی هم‌نشین آن با تکیه بر مجموعه یا بافت کلی قرآن از منظر هم‌نشینی می‌تواند انسجام و پیوستگی معارف قرآن کریم را روشن‌تر سازد و همچنین موجب می‌شود معارف نهفته در باطن آیات از طریق بررسی عبارات هم‌نشین کشف شود؛ زیرا کاربرد واژه‌ی عذاب در ترکیب‌های اضافی گوناگون در موقعیت‌های مختلف بیانگر تأثیر صفات مختلف بر وجوه معنایی مختلف این واژه است. با توجه به این مسئله‌ی مهم که یکی از راه‌های فهم مفاهیم قرآن از طریق روابط هم‌نشینی حاصل می‌شود، نگارندگان در این مقاله درصدد پاسخگویی به این سؤالات می‌باشند: ۱. مهمترین ترکیب‌های اضافی واژه‌ی عذاب چیست؟ ۲. بر اساس رابطه‌ی هم‌نشینی این واژگان چه تأثیری در معنا و تفسیر عذاب دارند؟ ۳. واژه‌ی «عذاب» در ترکیب‌های اضافی هم‌نشینی شامل چه کسانی می‌شود؟ اکثر آیات عذاب در ترکیب‌های اضافی آن مخصوص آخرت است و فقط در چهار آیه که این واژه هم‌نشین سعیر، هون و خزی شده مخصوص دنیا است.

لازم به ذکر است با توجه به گستره‌ی حوزه‌ی معنایی واژه‌ی «عذاب» در این پژوهش فقط به حوزه معنایی هم‌نشینی ترکیب‌های اضافی عذاب توجه شده است و از ورود به سایر هم‌نشینی‌ها و حوزه‌هایی همچون جانیشینی، تباین و غیره خودداری کرده‌ایم و ترجمه آیات بر اساس ترجمه‌ی فولادوند است.

۱-۱- پیشینه‌ی پژوهش

در قرن حاضر علاقه‌مندان به معناشناسی، تلاش کرده‌اند تا با استفاده از نظریه‌ها و الگوهای معناشناسی، از دید روابط هم‌نشینی به واکاوی و تحلیل واژگان بپردازند. با توجه به جستجوهای که درباره‌ی پیشینه این پژوهش در منابع متعدد صورت گرفته، در حوزه معناشناسی کتاب‌هایی نگاشته شده که عبارت‌اند از: ۱. مفاهیم اخلاقی- دینی در قرآن اثر ایزوتسو؛ ۲. خدا و انسان در قرآن اثر ایزوتسو؛ ۳. علم الدلالة اثر احمد مختار عمر؛ اما به‌کارگیری این روش در پژوهش‌های قرآنی سابقه‌ی چندانی ندارد و می‌توان تألیفات ایزوتسو را از مهمترین آثار با محوریت معناشناسی دانست؛ لازم به ذکر است که در هیچ‌کدام از کتب معناشناسی واژه‌ی عذاب به صورت مستقل مورد بحث قرار نگرفته است. همچنین پایان‌نامه‌هایی درباره‌ی عذاب نگاشته شده بود که عبارتند از: پایان‌نامه‌ی «عذاب، جایگاه و اوصاف آن» اثر نرگس یوسفی، دانشکده‌ی ادبیات علوم قرآن و حدیث تهران، ۱۳۹۰ که نویسنده در این پایان‌نامه به اوصاف عذاب الهی اشاره کرده و در آن بیشتر به جایگاه ولایت و عدم پذیرش ولایت با نزول عذاب الهی پرداخته است. پایان‌نامه‌ی دیگری با عنوان «بررسی نعوت مفرد واژه‌ی عذاب با رویکرد تفسیری بلاغی» اثر خدیجه حمزه، دانشگاه علوم قرآن آمل، ۱۳۹۵ که نویسنده در این پایان‌نامه با رویکرد تفسیری و بیشتر بلاغی به بررسی واژه‌ی عذاب و برخی از نعوت مفرد آن می‌پردازد. همچنین مقاله‌ای با عنوان «نقش تربیتی عذاب در قرآن» اثر علی‌اکبر شایسته‌نژاد، مجله‌ی مطالعات قرآنی و روایی، شماره‌ی دوم، ۱۳۹۲، که نویسنده در این مقاله به بحث عذاب و سنت تربیت می‌پردازد و در آن بیشتر جنبه‌ی تربیتی عذاب، مانند پیشگیری از وقوع جرم بررسی شده بود. مقاله‌ای با عنوان «معناشناسی واژه‌ی «عذاب» در قرآن کریم با تکیه بر روابط هم‌نشینی و جانیشینی» اثر نوش‌آفرین مرسلی و همکاران در فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش‌های ادبی - قرآنی» دانشگاه اراک، سال ششم، شماره ۳، ۱۳۹۷ که در این پژوهش فقط به بررسی عوامل هم‌نشینی زمینه‌ساز عذاب الهی و جانیشینی‌های عذاب در قرآن کریم پرداخته شده و ترکیب‌های اضافی عذاب مورد بحث و بررسی قرار نگرفته‌اند. مقاله‌ای دیگر از همین نویسندگان با عنوان «معناشناسی توصیفی «عذاب» در قرآن با تأکید بر رابطه‌ی هم‌نشینی»، مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء، شماره ۴۶، ۱۳۹۹؛ در این مقاله نویسندگان هیچ اشاره به ترکیب‌های اضافی واژه‌ی عذاب نکرده‌اند و فقط به معناشناسی توصیفی آن پرداخته‌اند. مقاله‌ای دیگر با عنوان «بررسی طرح‌واره‌های تصویری «عذاب» در قرآن کریم از منظر زبان‌شناسی

شناختی» مهدی عابدی جزینی و همکاران، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی تحقیقات در علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء، دوره ۱۵ شماره ۳، ۱۳۹۷، نویسندگان در این مقاله به بررسی تصویرسازی عذاب بر اساس زبان‌شناسی شناختی پرداخته است. با توجه به پیشینه، در خصوص واژه‌ی عذاب و ترکیب‌های اضافی آن پژوهش مستقل و کاملی یافت نشد؛ لذا پژوهش حاضر در تلاش است تا به این مهم پرداخته و خلأ موجود را پر سازد.

۱-۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر با نگاهی معناشناختی با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به معناشناسی واژه‌ی عذاب و ترکیب‌های اضافی آن در قرآن کریم بر اساس رابطه هم‌نشینی می‌پردازد و تلاش بر این است که رابطه‌ی میان این واژه و کلمات هم‌نشین آن در قرآن کریم با استفاده از روش معناشناسی توصیفی بررسی شود.

۲- مبانی نظری

۱-۲- معناشناسی هم‌زمانی (توصیفی)

در علم معناشناسی «معناشناسان در پی کشف سازوکارهای نهفته در کلام دارای روابط میان دال و مدلول و تجزیه و تحلیل آن بر اساس یک روش تحقیق علمی هستند» (رکعی و نصرتی، ۱۳۹۶: ۲۴). زبان‌شناسی^۱ مطالعه‌ی علمی زبان است و دارای حوزه‌های وسیعی است که یکی از آن‌ها حوزه‌ی لفظ و دیگری حوزه‌ی معناست، لفظ و معنا با همدیگر در ارتباط می‌باشند که حوزه‌ی محتوا و معنا را معناشناسی می‌گویند؛ پس میزان علمی بودن معناشناسی نباید کمتر از زبان‌شناسی باشد (پالمر، ۱۳۹۱: ۲۲). مطالعه‌ی در زمانی حوزه‌های معنایی باعث می‌شود به نوعی معناشناسی تاریخی برسیم و به بررسی تحول مفهوم واحدهای هم‌حوزه در گذر زمان می‌پردازد (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۹۵). «زبان‌شناسی در زمانی تحوّل زبان را در طول زمان بررسی می‌کند و به مطالعه و تحلیل تاریخی تغییراتی می‌پردازد که در گذر زمان در زبان‌ها به وجود آمده‌اند؛ ولی زبان‌شناسی هم‌زمانی «توصیفی» به سازوکار زبان و تشریح ساختمان آن می‌پردازد و به تغییر معنا در طول زمان توجه نمی‌کند؛ بلکه هر زبانی را در برشی از زمان به‌عنوان یک نظام ارتباطی خودکفا و مستقل مطرح کرده و بررسی می‌کنند» (روبینز، ۱۳۹۳: ۴۱۸)؛ بنابراین معناشناسی توصیفی، واژگان را به‌صورت افقی در یک حوزه‌ی معنایی در مقطع زمانی خاص بدون در نظر گرفتن تغییرات تاریخی در نظر می‌گیرد. معناشناسی در زمانی و بررسی مراحل زمانی تحولات واژگان از بحث ما خارج است؛ زیرا منظور ما از معناشناسی در این نوشتار معناشناسی هم‌زمانی (توصیفی) است.

۲-۲- رابطه هم‌نشینی

از جمله اموری که در معناشناسی هم‌زمانی (توصیفی) مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد رابطه هم‌نشینی است. «تشخیص معنای واژه از طریق معنی واژه‌های هم‌نشین آن را هم‌نشینی گویند؛ زیرا واژه‌ها در هم‌نشینی می‌توانند معانی خاص به خود بگیرند» (پالمر، ۱۳۹۱: ۱۶۱). ایزوتسو در تعریف این قاعده می‌گوید: «گاه معنای دقیق یک واژه از روی بافت آن و از راه توصیف لفظی روشن می‌گردد که به آن تعریف بافتی (متنی) می‌گویند» (شریفی، ۱۳۹۴: ۱۹۷). در واقع رابطه‌ی میان واژه‌ها در آیات دو گونه است: رابطه‌ی افقی و رابطه‌ی عمودی، اگر به ارتباط الفاظ در محور افقی بنگریم، معنایی که از واژه به دست می‌آید به وسیله‌ی توصیف بافتی، متنی یا هم‌نشینی است؛ اما اگر نسبت کلمات را در محور عمودی بنگریم، معنا یا معانی دیگری از راه جانشینی برای کلمه به دست می‌آید (شریفی، ۱۳۹۴: ۱۹۹)؛ کلماتی که در جوار یک کلمه قرار گرفته‌اند «کلمات هم‌نشین» و رابطه‌ی هم‌نشینی میان واژه‌ها در یک زنجیره زبانی با عناصر تشکیل‌دهنده به صورت افقی و خطی است (رکعی و نصرتی، ۱۳۹۶: ۱۴۱)؛ بنابراین «رابطه‌ی هم‌نشینی» بر اساس کلماتی که در جوار یک کلمه قرار گرفته‌اند صورت می‌گیرد.

۳- تحلیل

۳-۱- واژه‌ی «عذاب» در لغت و اصطلاح

در بیان معنی عذاب آورده‌اند: «أصل العذاب الضرب، ثم استعير ذلك في كل شدة» (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۷۹/۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۲۶۰/۴)؛ اصل عذاب به معنای زدن است، سپس برای هر شدتی به کار گرفته شده است. نویسندۀ تاج العروس می‌گوید: «إِنَّ الْعَذَابَ فِي كَلَامِ الْعَرَبِ مِنَ الْعَذْبِ وَهُوَ الْمَنْعُ» (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴ق: ۲۱۲/۲)، عذاب در کلام عرب از ریشه «عذب» به معنای منع است. نویسندۀ مجمع البحرین نقل می‌کند: «الْعَذْبُ الطَّيِّبُ الَّذِي لَا مَلُوحَةَ فِيهِ» (طریحی، ۱۳۷۵: ۱۱۷/۲)؛ عذب به معنای چیز پاک‌ی که هیچ شوری در آن نیست. در لسان العرب آمده است: «الْعَذَابُ، النَّكَالُ وَالْعُقُوبَةُ قَدْ عَذَّبَهُ تَعْدِيْبًا وَلَمْ يُسْتَعْمَلْ غَيْرَ مَزِيدٍ» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۵۸۵/۱)، عذاب به معنای عقوبت و کیفر است او را سخت شکنجه کردم و به صورت غیر مزید به کار نرفته است. راغب می‌گوید: عذاب به معنای گرسنگی سخت و شدید است که در اصل آن اختلاف نظر وجود دارد؛ عده‌ای گفته‌اند این کلمه از «عذب» به معنای شیرینی و گوارایی است، «عَدْبَتْهُ» یعنی، گوارایی زندگیش را از او بردم مثل «مَرَضَتْهُ» و «قَدَّرَتْهُ» که به معنی «مرضش را از بین بردم» است، کلمه‌ی تعذیب در اصل به معنای زیاد زدن با تازیانه است و «عَدْبَتْهُ» یعنی زندگی او را کدر و آلوده کردم و عذاب را از آن جهت عذاب گویند که از راحتی و آسایش منع می‌کند و آن را از بین می‌برد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴:

۵۷۱/۲). عذاب در اصطلاح به معنای به درد آوردن و آزردن پیوسته و دائم است (میر لوحی، ۱۳۹۲: ۲۹۱). «از آنجا که عذاب بازتاب عمل محسوب می‌شود و متناسب با طبیعت عمل است و شاید باعث پاک‌سازی یا بیداری مُعذَّب شود؛ بنابراین گوارای وجود او عاملی برای برگرداندن او به مسیر اصلی و سیر کمالی وی است» (رضایی و فتاحی‌زاده، ۱۳۹۵: ۶)؛ اگرچه ریشه‌ی عذاب، دارای مفهوم عذب و شیرینی نیز است؛ اما مفهوم منع در آن غلبه دارد. واژه‌ی «عذاب» به همراه مشتقاتش ۳۷۳ مرتبه در قرآن کریم، در ساخت‌های متفاوت استعمال شده است.

۳-۲- ترکیب‌های اضافی هم‌نشین عذاب

واژه‌ی «عذاب» در ترکیب‌های اضافی با واژگانی مانند: نار، جهنم، جحیم، سعیر، حریق و غیره هم‌نشین شده است. هم‌نشین‌های عذاب الفاظی هستند که با آمدن در کنار عذاب، بُعدی از ابعاد آن را روشن می‌سازند و با قرار گرفتن عذاب در کنار هر یک از این واژه‌ها یک وجه از معنای آن تکمیل و روشن می‌شود. «عذاب به تنهایی نتیجه طبیعی عمل فرد است و دلالت بر شدت ندارد؛ بنابراین همراهی و اتصاف آن حالت و شدت آن را بیان می‌کند» (مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۸۱/۸).

در بررسی‌های صورت گرفته واژه‌ی «عذاب» به صورت مفرد، اضافه به ضمیر، اضافه به اسم مفرد و همراه با صفت بکار رفته است، آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت، مواردی است که واژه‌ی «عذاب» در ترکیب‌های اضافی از نوع اسم مفرد بکار رفته است؛ اما مواردی از قبیل ترکیب‌های اضافی مرکب، ترکیب‌های وصفی و سایر مشتقات اسمی و فعلی آن در این پژوهش بحث نمی‌شود. در ادامه واژه‌های که مضاف‌إلیه مفرد عذاب واقع شده‌اند و با آن رابطه هم‌نشینی دارند را تحلیل و بررسی خواهیم کرد.

شماره	مضاف‌الیه عذاب	بسامد
۱	عذاب النَّار	۸
۲	عذاب الحَرِيق	۶
۳	عذاب الاِجْرَة	۶
۴	عذاب السَّعِير	۴
۵	عذاب جَهَنَّم	۴
۶	عذاب اهُون	۳
۷	عذاب الجَحِيم	۳
۸	عذاب الحَزِي	۲
۹	عذاب الخُلْد	۲

۱	عذاب الحَمِيم	۱۰
۱	عذاب السَّمُوم	۱۱

جدول ۱: برخی از ترکیب‌های اضافی هم‌نشین واژه «عذاب» در قرآن

۳-۲-۱- هم‌نشینی واژه‌ی «عذاب» با «نار»

واژه‌ی «عذاب» در قرآن مجید هشت مرتبه^۱ به «نار» اضافه و هم‌نشین آن شده است که برای انذار برخی افراد به ویژه کافران بکار رفته و در بیشتر آیات کفر سبب عذاب آتش معرفی شده است و مراد از آن عذاب اخروی است. برای واژه‌ی «نار» در فرهنگ لغت معانی ذکر شده است که از جمله آن‌ها عبارت‌اند از: نار به معنای آتش است به خاطر این که شعله‌اش با حس دیده می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۴۰۸/۴). نار به شعله محسوس، حرارت، نار جهنم گفته می‌شود (قرشی، ۱۳۷۵: ۱۲۶/۷). نار به معنای حرارت شدید است که از حالات آن روشن شدن و شعله‌ور شدن است و مراد از آتش در عالم آخرت آنچه از امور دنیوی مانند درخت، چوب، خورشید و... حاصل می‌شود نیست بلکه اعمال گناه و کفر و نفاق است که موجب ظلمت و دوری از رحمت الهی و عذاب می‌شود. دو واژه‌ی نار و نور متلازم همدیگر هستند با این تفاوت که نار غلیظ‌تر و کدرتر از نور است (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۳۰۸/۱۲). در بیشتر آیات این عذاب برای انذار کافران به کار رفته است مانند آیه: ﴿ذَلِكُمْ فَذَوْقُهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ﴾ (انفال/ ۱۴)؛ «این (مجازات دنیا) را بچشید و برای کافران مجازات آتش خواهد بود». آیه فوق خطاب به کافران است و نشان می‌دهد علاوه بر این عذابی که به آنها نازل شده، عذاب آتش نیز شاملشان می‌شود؛ بنابراین عذاب کافران تنها دنیوی نیست و به علت کافر بودنشان، عذاب آخرت را نیز دارند. این جمله عطف بر «ذَلِكُمْ» و حرف «وَاو» به معنای «مع» است، یعنی این عذاب فوری دنیا را همراه با عذابی که در آینده برای شما در قیامت خواهد بود (طبرسی، ۱۳۷۵: ۴۵۶/۲)؛ استفاده از کلمه ذوق (چشیدن) درباره عذاب دنیا، در مقابل عذاب دوزخ، بیانگر این است که عقوبت‌های دنیوی تنها مقدمه‌ای برای عذاب اصلی و کامل که همان عذاب دوزخ است (مغنیه، ۱۳۷۸: ۷۰۹/۳). همچنین آیه‌ی: ﴿... قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمْتِعْهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾ (بقره/ ۱۲۶)؛ «هر که سپاس نگزارد و راه کفر پیماید گر چه در دنیا او را اندکی بهره مند کنم، لیکن در آخرت ناچار معذب به آتش دوزخ گردانم که بد منزلگاهی است». در این آیه نیز مانند آیه قبل واژه عذاب نار هم‌نشین کفر شده است و با مراجعه به سیاق آیاتی که عذاب در آنها هم‌نشین نار شده، بدست می‌آید که این عذاب نشان دهنده‌ی عذاب با آتشی است که عواملی چون کفر، فسق و ظلم سبب آن است. میان کفر و عذاب الهی ارتباط وجود دارد و بیشتر آیات در

۱. بقره: ۱۲۶ / ۲۰۱؛ آل عمران: ۱۶ / ۱۹۱؛ انفال: ۱۴؛ سجده: ۲۰؛ حشر: ۳؛ سبأ: ۴۲.

بردارنده عذاب نار مربوط به کافران است، واژه‌ی کفر نه تنها فراگیرترین اصطلاح برای تمام ارزش‌های اخلاقی و دینی منفی؛ بلکه مرکز تمام صفات و سجایای منفی است، معنای این سخن این است که ما وقتی به معنای واقعی کفر دست می‌یابیم که از ماهیت عناصری که این سیستم را تشکیل می‌دهند مانند فسق، ظلم، کبر و... آگاه باشیم (ایزوتسو، ۱۳۷۸: ۳۱۳). «کفر به صورت خاص و اساسی به معنای ناسپاسی کردن و ناسپاس بودن است، در مقابل خیر یا احسان یا محبتی است که به شخصی از طرف دیگری رسیده است؛ درست نقطه مقابل شکر که به معنی سپاسگزار بودن است» (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۱۷).

همچنین در آیه‌ی: ﴿الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّا أَمْنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَفِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ (آل عمران/ ۱۶)؛ «آن کسانی که (پرهیزکاران) می‌گویند: پروردگارا ما ایمان آورده‌ایم، پس ما را ببامرز و از عذاب آتش نگهدار». آیه‌ی شریفه توصیف متقین است و در این جمله منظورشان این است که از خدا بخواهند وعده‌ای که به بندگانش داده که ﴿وَأْمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ﴾ (احقاف/ ۳۱)؛ بخاطر اینکه ایمان به خدا و اطاعت از او، بنده را طلب‌کار از خدا نمی‌کند؛ زیرا ایمان و اطاعت هم یکی از نعمت‌هایی است که خدا به بنده‌اش داده و بنده از ناحیه خودش چیزی را مالک نیست و حقی بر خدا ندارد، مگر آن حقی را که خود خدا به عهده خود گرفته و یکی از آن حقوق همین است که اگر ایمان آوردند، ایشان را می‌آمرزد و از عذاب حفظشان می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۷۱/۳)؛ بنابراین عذاب کافران تنها دنیوی نیست بلکه بخاطر کفرشان عذاب آخرت را در پی دارند در آیات بالا ایمان دلیل نجات از عذاب آتش و کفر سبب عذاب آخرت و آتش معرفی شده است و با توجه به سیاق آیات فوق می‌توان گفت که هم‌نشینی واژه‌ی عذاب با نار نشان دهنده‌ی عذاب با آتش شعله‌ور و کدروی است که عواملی چون کفر، فسق و ظلم سبب آن است و مراد از عذاب در آیات مذکور عذاب اخروی است.

۳-۲-۲- هم‌نشینی واژه‌ی «عذاب» با «حریق»

واژه‌ی «حریق» در قرآن مجید شش مرتبه^۱ مضاف‌إلیه عذاب واقع شده و در آیات عواملی چون: کفر، ضلالت، قتل انبیاء و فتنه سبب عذاب حریق معرفی شده است. در فرهنگ لغت در معنای آن چنین آمده است: «الحْرِيقُ اضْطِرَامُ النَّارِ» (ابن سیده، ۱۴۲۱ق: ۵۷۳/۲)؛ حریق آتش شعله‌ور و سوزان را گویند. منظور از حریق از ماده حرق همان آتش است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۴۷۲/۱). عده‌ای آن را آتش و عده‌ای هم به معنی سوزان معنی کرده، در واقع حریق در آیات قرآن به معنی فاعل است و اگر آن را آتش معنی کنیم نام‌گذاری به صفت است؛ زیرا سوزاندن صفت آتش است معنی آیه چنین می‌شود: می‌گوییم بچشید عذاب سوزان یا عذاب آتش را (قرشی، ۱۴۱۲ق: ۱۲۲/۲). سعیر آتشی

۱. آل عمران: ۱۸۱؛ انفال: ۵۰؛ حج: ۹ / ۲۲؛ بروج: ۱۰.

(نار) که زبانه کشیده و سوزنده است به همین جهت آتش در عود را به دلیل نداشتن این شرایط سعیر نمی‌گویند و حریق نیز آتشی است که یک چیز را شعله‌ور کرده و علاوه بر سوزندگی آن را نابود می‌کند (عسکری، ۱۳۹۰: ۲۰۸). از جمله آیاتی که در آن واژه‌ی «عذاب» هم‌نشین حریق شده عبارت است از: ﴿إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ لَمْ يَكُنُوا لَهُمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ وَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ﴾ (بُورِج/ ۱۰)؛ «همانا کسانی که مردان و زنان با ایمان را مورد شکنجه قرار دادند عذاب دوزخ برای آن‌ها است و عذاب آتش سوزان». کلمه فتنه به معنای شکنجه است و شامل اصحاب اخدود و مشرکین قریش می‌شود که مسلمانان را شکنجه می‌دادند تا از دین اسلام به دین آنان برگردند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۱۹/۲۰). عطف دو عذاب در «عذاب الحریق» و «عذاب جهنم» از باب عطف تفسیر و توضیح است و تأکید بر هشدار و وعده عذاب و افزایش ترس است. دلیل اینکه بین عذاب جهنم و عذاب حریق فاصله انداخت، این است که مقصود از عذاب جهنم انواع و اقسام عذاب و شکنجه‌هاست و همراه این عذاب‌های گوناگون بر ایشان سوختن به آتش هم هست (طبرسی، بی‌تا: ۴۲۴/۲۶)؛ بنابراین منظور از عذاب حریق، عذاب با آتش سوزان و شعله‌ور است و از آنچه بیان شد مشخص می‌شود که واژه‌ی عذاب زمانی که در آیات هم‌نشین حریق می‌شود به معنای عذاب با آتش شعله‌ور و سوزان است که با توجه به سیاق آیات سرانجام کفر، ضلالت، قتل انبیاء و فتنه عذاب حریق معرفی شده است و در شش آیه‌ای که واژه عذاب هم‌نشین حریق شده است مراد از عذاب حریق، عذاب آخری است.

۳-۲-۳- هم‌نشینی واژه‌ی «عذاب» با «سعیر»

واژه‌ی «عذاب» چهار مرتبه^۱ در قرآن کریم هم‌نشین واژه‌ی «سعیر» بکار رفته است. در فرهنگ لغت در معنای آن چنین آمده است: «سَعِيرٌ اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ جَهَنَّمَ وَالسَّعِيرُ النَّارُ وَطَبِهَا» (طریحی، ۱۳۷۵: ۳۳۱/۳)؛ سعیر نامی از نام‌های جهنم است و به معنای شعله آتش و زبانه‌ی آتش است. «سعیر» بر وزن «فعلیل» در معنی «مفعول» به معنای افروخته شده است (راغب إصفهانی، ۱۳۷۴: ۲۲۱/۲). سعیر آتشی که سوزنده است؛ به همین علت آتش در عود را به دلیل نداشتن این شرایط سعیر نمی‌گویند و حریق نیز آتشی است که یک چیز را شعله‌ور کرده و علاوه بر سوزندگی آن را نابود می‌کند از این‌رو در زمان وقوع آتش‌سوزی «وقع الحریق» استفاده می‌شود (عسکری، ۱۳۹۰: ۲۰۸). این کلمه شانزده بار در قرآن آمده و در تمام موارد در جهنم آخرت بکار رفته است، جز در آیه: ﴿وَمَنْ يَرْغَبْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ﴾ (سبأ: ۱۲)؛ ظاهراً مراد از آیه عذاب دنیا است که خدا به شیاطین فهمانده بود در صورت سرپیچی از طاعت سلیمان گرفتار عذاب خواهند شد؛ و نیز

^۱. ملک: ۵؛ سبأ: ۱۲؛ لقمان: ۲۱؛ حج: ۴.

در آیه: ﴿وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ﴾ (ملک/۵)؛ «به عزتم سوگند آراستیم آسمان نزدیک (به زمین) را به ستارگانی و قرار دادیم ستارگان را نندگان دیوان و آماده کردیم برای آن‌ها عذاب سوزان را». خداوند، آسمانی را که از سایر آسمان‌ها به ما نزدیک‌تر است با چراغ‌ها زینت بخشیده و مقصود از چراغ‌ها ستارگان هستند، پرتاب تیر به وسیله شهاب‌هایی صورت می‌گیرد که غالباً در فضا و پیش از آن که به زمین برسند می‌سوزند، گاهی این پرتاب به وسیله سنگی انجام می‌شود که از ستارگان می‌افتد و هر فردی که سرکش و خلاف‌کار باشد، همانند شیطان است (مغنیه، ۱۳۷۸: ۶۲۳/۷).

همچنین در آیه‌ی: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانُ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ﴾ (لقمان/۲۱)؛ «و چون به ایشان گفته شود آن چیزی (قرآنی) را که خدا فرو فرستاده است پیروی کنید، گویند پیروی کنیم آنچه را که یافته‌ایم بر آن پدران خود را آیا اگر دیو سرکش بخواند ایشان را به سوی عذاب سوزان». این آیه در بیان یکی از مجادله‌های مشرکان است که بدون علم می‌گفتند، چون پدرانمان این روش را داشته‌اند، از آن‌ها پیروی کنیم خداوند در جواب این سخن فرموده: اگر پدرانشان در راه حق بودند این کار صحیح بود، حالا که در راه شرک بودند فایده این پیروی فقط آتش است (قرشی بنابی، ۱۳۷۵: ۲۶۰/۸)؛ بنابراین در آیات فوق هم‌نشینی واژه‌ی عذاب با «سعیر» نشان‌دهنده‌ی آتشی (نار) که زبانه کشیده و بالا می‌رود و سوزنده است که با توجه به سیاق آیات شامل حال کافران، مشرکان و شیاطین می‌شود و سرانجام آنها عذاب سعیر معرفی شده است. همه آیاتی که عذاب سعیر در آنها بکار رفته شامل عذاب آخرت است و فقط یک مورد آن (سباء/۱۲) شامل عذاب دنیا می‌شود.

۳-۲-۴- هم‌نشینی واژه‌ی «عذاب» با «جهنم»

واژه‌ی «عذاب» چهار مرتبه^۱ در قرآن کریم هم‌نشین «جهنم» شده است. در فرهنگ‌های لغت در معنای آن چنین آمده است: «جَهَنَّمُ، كَعَمَلَسٍ بَعِيدَةُ الْقَعْرِ وَ بِهٖ سُمِّيَتْ جَهَنَّمُ» (فیروز آبادی، ۱۴۱۵ق: ۳۱/۴). در قاموس المحيط جهنم به معنای چاه عمیق و به خاطر عمیق بودن جهنم نامیده شده است. «جَهَنَّمُ مِنْ أَسْمَاءِ النَّارِ الَّتِي يَعَذِّبُ بِهَا اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ عِبَادَهُ» (جوهری، ۱۳۷۶ق: ۱۸۹۲/۵؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۱۵۶/۲). جَهَنَّمُ اسمی است که در باره آتش افروخته عذاب الهی گفته شده است. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۴۲۷/۱-۴۲۸). واژه‌ی جهنم در استعمال قرآن محلّ عذاب آخرت و جایگاه کفار و ستمگران است این کلمه هفتاد و هفت بار در آیات مختلف ذکر شده است (قرشی، ۱۳۷۱: ۸۴/۲).

۱. فرقان: ۶۵؛ زخرف: ۷۴؛ ملک: ۶؛ بروج: ۱۰.

منظور از جحیم، آتشی بر روی آتش است که شدت طبقات آتش را می‌رساند و جهنم به معنای عمیق و ژرف بودن است (عسکری، ۱۳۹۰: ۲۰۸).

از جمله آیاتی که در آن واژه‌ی «عذاب» هم‌نشین جهنم شده عبارت است از: ﴿وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَ يَسَّ الْمَصِيرُ﴾ (ملک/ ۶). در این آیه واژه‌ی کفر هم‌نشین عذاب جهنم شده و مراد از کسانی که کفر ورزیدند همه‌ی کسانی هستند که به خدا کفر ورزیدند، در این آیه عذاب جهنم را شامل عموم کافران می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۹۰/۹). کسانی که به پروردگارشان کفر ورزیدند برای ایشان عذاب دوزخ و بد جایگاهی است و پایان کار آن‌ها بد است (طبرسی، بی‌تا: ۷۴/۲۵-۷۳) و آیات نشان‌دهنده‌ی این است که عذاب دوزخ، سرانجام شوم کافران است. همچنین آیه‌ی: ﴿إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ خَالِدُونَ﴾ (زخرف/ ۷۴)؛ «بی‌گمان، مجرمان در عذاب جهنم ماندگارند». کلمه مجرمین هم گناهکاران و هم کفار را شامل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸۴/۸) که برای همیشه در عذاب دردناک جهنم که عذابی تخفیف‌ناپذیر به سر می‌برند (طبرسی، بی‌تا: ۲۶۵/۲۲) و منظور از عذاب حریق عذاب با آتش سوزان و شعله‌ور است و عذاب جهنم مفهوم عام‌تری دارد و به معنای عمیق و ژرف بودن و در آیات فوق هم‌نشینی واژه‌ی عذاب با «جهنم» و عواملی چون کفر، جرم، فتنه که از عوامل زمینه ساز این عذاب هستند نشان‌دهنده‌ی آتش افروخته عذاب الهی در آخرت است که عامل ورود به عذاب جهنم عملکرد خود انسان است.

۳-۲-۵- هم‌نشینی واژه‌ی «عذاب» با «آخرت»

واژه‌ی «آخرت» در قرآن مجید شش مرتبه ۱ مضاف‌إلیه «عذاب» واقع شده است مانند آیه‌ی: ﴿فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْحُزْنَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلِعَذَابِ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ (زمر/ ۲۶). در این آیه عذاب دنیا و آخرت با یکدیگر مقایسه شده‌اند و واژه‌ی اکبر در مقابل عذاب آخرت بکار رفته است که نشان‌دهنده‌ی این است که عذاب آخرت بسیار بزرگ‌تر از عذاب دنیایی است. عذاب دنیوی آنها تنها جنبه جسمانی نداشته، بلکه کیفر روانی نیز بوده است، می‌فرماید: «خداوند خواری را در زندگی این دنیا به آن‌ها چشانید» و عذاب آخرت شدید، پیوسته و بزرگ‌تر است (طبرسی، بی‌تا: ۱۷۳/۲۱). همچنین در آیه‌ی: ﴿وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلِعَذَابِ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى﴾ (طه/ ۱۲۷). آیه نشان‌دهنده‌ی کیفر آخرت کسی است که در جستجوی دنیا اسراف می‌کند و آن را از راه حرام به دست می‌آورد، به نشانه‌هایی که نشانگر وجود خدا، نبوت پیامبران و فرو فرستادن کتاب‌های اوست ایمان نمی‌آورد و یا عمل نمی‌کند که برخی از عذاب‌های آخرت عبارت‌اند از: جامه‌هایی از مس گداخته، غذایی از درخت زقوم، نوشیدنی آب داغ (مغنیه، ۱۳۷۸:

^۱. هود: ۱۰۳؛ فصلت: ۱۶؛ رعد: ۳۴؛ طه: ۱۲۷؛ زمر: ۲۶؛ قلم: ۳۳.

۴۱۲/۵؛ بنابراین در آیات فوق که آخرت هم‌نشین عذاب واقع شده و شدت عذاب آخرت با کلمات اکبر، ابقی، اشد، اشدق و آخری در این شش‌آیه نشان داده شده و عذاب آخرت بسیار بزرگ‌تر و سخت‌تر از عذاب دنیایی موقت است که با توجه به سیاق آیات سرانجام عدم ایمان، کفر و ظلم عذاب آخرت معرفی شده است.

۳-۲-۶- هم‌نشینی واژه‌ی «عذاب» با «هُون»

واژه‌ی «عذاب» سه مرتبه^۱ در قرآن کریم هم‌نشین واژه‌ی «هُون» بکار رفته است که در یک آیه^۲ عذاب دنیوی و دو آیه اخروی است. در فرهنگ لغت در معنای آن چنین آمده است: «هُونٌ بِالضَّمِّ الْخِزْيُ، نَقِيضُ الْعِزِّ» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۴۳۸/۱۳). هون به ضم هاء به معنای خواری و نقیض عزت است؛ بنابراین ابن منظور هون را مترادف خزی گرفته است. «هُونٌ بِالضَّمِّ، يَرِيدُ الْعَذَابَ الْمُتَضَمِّنَ لَشِدَّةِ وَإِهَانَةِ» (طریحی، ۱۳۷۵: ۳۳۰/۶). مراد از هون با ضم هاء عذاب‌ایی است که متضمن شدت و خواری باشد. هون به معنای ننگ و رسوایی و «هُون» به معنای وقار و آرامش است (بستانی، ۱۳۷۵: ۹۶۷)؛ اما «هُون» به معنای ذلت و خواری است (صاحب، ۱۴۱۴ق: ۷۰/۴) که در قرآن مجید فقط با همزه باب افعال تعدیه شده است ﴿وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ...﴾ (حج/ ۱۸)؛ «مُهین» اسم فاعل به معنای خوارکننده است (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۷۰/۷).

از جمله آیاتی که در آن واژه‌ی «عذاب» هم‌نشین هون شده عبارت است از: ﴿وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَدْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِذَا كُنْتُمْ تُفْسِقُونَ﴾ (أحقاف/ ۲۰)؛ «و روزی که کافران را بر آتش دوزخ عرضه کنند (فرشتگان قهر و عذاب به آن‌ها گویند) شما (لذت بهشتی و) خوشی‌هایتان را در زندگانی دنیا (به شهوت‌رانی و ظلم و عصیان) از بین بردید و بدان لذت دنیوی برخوردار و دلباخته بودید، پس امروز به عذاب ذلت و خواری مجازات می‌شوید چون در زمین تکبر می‌کردید و راه فسق و تبهکاری پیش می‌گرفتید». آیه فوق اشاره به عذاب کافران دارد و در مقام بیان عذاب قیامت است که وقتی آتش دوزخ بر کافران عرضه می‌شود به آن‌ها گفته می‌شود به سبب کفران نعمت، امروز که قیامت است کیفر اعمال نکوهیده که در دنیا از روی کبر نمودید و مشغول فسق و فجور شدید، را بچشید (امین، بی‌تا: ۱۳۹/۱۲-۱۳۸). در این آیه عذاب الهی در ارتباط مستقیم با استکبار معرفی شده و مجازات کبر، خواری است تکبر و خودبرتربینی، زیر بار حق نرفتن، بر سر سنت‌های غلط و تقلید باطل اصرار ورزیدن و به همه‌چیز غیر از آن با دیده تحقیر نگریستن ریشه

۱. انعام: ۹۳؛ فصلت: ۱۷؛ أحقاف: ۲۰.

۲. فصلت: ۱۷.

تمام انحرافات است که نقطه مقابل استکبار همان خضوع و تسلیم در برابر حق است که اسلام واقعی همین است، استکبار مایه‌ی تیره روزی و خضوع مایه سعادت انسان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۶/۱۹). میان کبر و عذاب الهی ارتباط وجود دارد و یکی از عناصر مهم در ساختمان معنایی مفهوم کفر، کبر است، کبر در قرآن کریم از مشخصه‌ی اصلی کافران می‌باشد، شخص کافر از لحاظ دینی، متکبر است (ابزوتسو، ۱۳۷۸: ۲۸۵) و کبر دقیقاً نقطه مقابل ایمان قرار دارد، آنان که متکبر هستند ایمان نمی‌آورند و برعکس آنان که به آیات الهی ایمان ندارند متکبرانه رفتار می‌کنند (همان، ۲۸۶)؛ بنابراین در این آیه عذاب هم‌نشین «هون» شده که این عذاب دردناک دائم نتیجه کبر معرفی شده است و خداوند در آیات مختلف قرآن کریم، صفت کبر، متکبرین و مستکبرین را مذمت نموده و صاحبان این صفات مشمول عذاب الهی می‌باشند؛ چون یکی از آثار کبر و استکبار، کفر بیان گردیده است؛ بنابراین در آیات فوق هم‌نشینی واژه‌ی عذاب با هون نشان‌دهنده‌ی عذابی خوارکننده است که با توجه به سیاق آیات شامل حال کافران، ظالمان و مستکبران می‌شود.

۳-۲-۷- هم‌نشینی واژه‌ی «عذاب» با «جحیم»

واژه‌ی «عذاب» سه مرتبه^۱ در قرآن کریم به «جحیم» اضافه و هم‌نشین آن شده که نشان‌دهنده‌ی عذابی اخروی است. در فرهنگ لغت در معنای آن چنین آمده است: «الْجَحِيمُ اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ النَّارِ وَكُلُّ نَارٍ عَظِيمَةٍ فِي مَهْوَاةٍ فَهِيَ جَحِيمٌ» (صاح، ۱۳۷۶ق: ۱۸۸۳/۵؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۲۶/۶). جحیم اسمی از اسماء آتش است و هر آتش بزرگی که محلش بزرگ است جحیم است. «الْجَحْمَةُ» یعنی شدت فروزش آتش و «جَحِيمٌ» یعنی دوزخ از همین واژه است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۳۸۴/۱). «جحیم» آتش شدید الاشتعال و هر آتش بزرگی که در گودال بزرگی و مکان بسیار گرم است که از نام‌های آتش آخرت است و به واسطه بزرگی و کثرت اشتعال جحیم نام گرفته و ممکن است آن را مکان بسیار گرم معنا کنیم که در این صورت نام جهنم است، این کلمه ۲۶ بار در قرآن مجید آمده و همه درباره آتش آخرت است و فقط یک مورد درباره دنیا است و آن در مورد داستان حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) است (قرشی، ۱۴۱۲ق: ۱۹/۲): «قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُيُوتًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ» (صافات/۹۷)؛ «گفتند برای او بنائی بسازید و او را در آتش بزرگ افکنید خواستند درباره او حيله‌ای کنند مغلوبشان کردیم». منظور از جحیم، آتش بر روی آتش است که شدت طبقات آتش را می‌رساند و جاحم به معنای شدت زبانه‌های آتش و «جهنم» به معنای عمیق بودن است (عسکری، ۱۳۹۰: ۲۰۸).

۱. غافر: ۷؛ دخان: ۵۶؛ طور: ۱۸.

از دیگر آیات که در آن واژه‌ی «عذاب» هم‌نشین جحیم شده عبارت است از آیه‌ی: ﴿لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ﴾ (دخان/۵۶)؛ «در آنجا جز مرگِ نخستین، مرگ نخواهند چشید و [خدا] آن‌ها را از عذاب دوزخ نگاه می‌دارد». بهشتیان به یقین در بهشت مرگ را نمی‌چشند و اگر بتوان طعم مرگ نخستین (یعنی مرگ دنیا) را در آینده چشید به یقین اهل بهشت آن را خواهند چشید (طبرسی، ۱۳۷۵: ۵۶۰/۵) و خداوند آن‌ها را از عذاب دوزخ حفظ کرده است و کمال این نعمت‌ها در این است که احتمال عذاب و فکر مجازات بهشتیان را مشغول و نگران نمی‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۱/۲۱۳).

همچنین در آیه‌ی: ﴿فَاكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمُ وَقَاهُمْ رَبُّهُمُ عَذَابَ الْجَحِيمِ﴾ (طور/۱۸)؛ «به آنچه پروردگارشان به آنان داده دل‌شادند و پروردگارشان آن‌ها را از عذاب دوزخ مصون داشته است». مؤمنان در دنیا از خدا پروا کردند و خداوند در آخرت آنان را از عذاب آتش نگه داشت و بهشت را پاداش ایشان قرار داد و هیچ چیزی آنان را از لذت‌های آن باز نمی‌دارد (مغنیه، ۱۳۷۸: ۲۷۱/۷)؛ بنابراین منظور از عذاب جحیم، آتش بر روی آتش است که شدت طبقات آتش را می‌رساند و در آیات فوق هم‌نشینی واژه‌ی عذاب با «جحیم» نشان‌دهنده‌ی آتش شدید الاشتعال و بزرگی که در گودال بزرگی بر روی آتش قرار داده شده است که با توجه به سیاق آیات متقین و بهشتیان از این عذاب در امان خواهند بود.

۳-۲-۸- هم‌نشینی واژه‌ی «عذاب» با «خُلْد»

واژه‌ی «خلد» دو مرتبه^۱ در قرآن کریم مضاف‌إلیه و هم‌نشین «عذاب» بکار رفته است. در فرهنگ لغت در معنای آن چنین آمده است: «الْحَاءُ وَاللَّامُ وَالذَّالُ أَصْلٌ وَاحِدٌ يَدُلُّ عَلَى الثَّبَاتِ وَالْمَلَاذِمَةِ» (احمد بن فارس، ۱۴۰۴ق: ۲/۲۰۷). خلود دوری شیء از فساد است و اینکه در یک حالت باقی بماند و نیز هر آنچه تغییر و فساد، دیر بر آن عارض شود عرب آنجا با خلود توصیف می‌کند و خوالد سنگ‌هایی است که دیک را روی آن می‌گذارند، نه برای همیشه بودن بلکه برای مکث طویل و زیاد پایدار بودن (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۱/۶۲۴). خُلْد و خُلُود به معنای همیشه بودن، دوام و مکث طولانی است، خلود فقط یک بار^۲ در قرآن کریم آمده؛ ولی خلد شش بار بکار رفته است (قرشی، ۱۴۱۲ق: ۲۷۱/۲-۲۷۰). آیه‌ی اولی که در آن عذاب هم‌نشین خلد واقع شده عبارت است از: ﴿فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (سجده/۱۴)؛ «پس (عذاب را) بچشید به سزای این که دیدار این روزتان را از یاد بردید؛ ما [نیز] فراموشتان کردیم و به (سزای

۱. سجده / ۱۴؛ یونس / ۵۲.

۲. ق/۳۴.

آنچه انجام می‌دادید عذاب جاودان را بچشید». نشان‌دهنده‌ی این است که مراد از عذاب، چشیدن عذاب دائمی است و بی‌اعتنایی به آخرت، همان اعمال زشتی است که آن افراد در دنیا انجام می‌دادند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۸۰/۶). در آیه دیگر آمده است: ﴿ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ﴾ (یونس / ۵۲)؛ «پس به کسانی که ستم ورزیدند گفته شود: «عذاب جاوید را بچشید، آیا جز به (کیفر) آنچه به دست می‌آوردید، جزا داده می‌شوید؟»؛ کسی که در جهنم زندانی می‌شود، نمی‌میرد و از عذابش هم کاسته نمی‌شود و عذاب جاوید آخرت نتیجه و اثر ظلمشان است (مغنیه، ۱۳۷۸: ۲۶۸/۴). آیات فوق بار دیگر این حقیقت را تأکید می‌کند که به هنگام نزول عذاب درهای توبه بسته می‌شود و پشیمانی سودی نخواهد داشت، دلیل آن هم روشن است؛ زیرا توبه در چنین حالی، توبه اجباری است و چنین توبه‌ای بی‌ارزش است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۱۲/۸). زمانی که ملت‌ها در مسیر ظلم و فساد قرار گیرند عذاب خلد و جاودانه آن‌ها را در بر می‌گیرد؛ بنابراین در آیات فوق هم‌نشینی واژه‌ی عذاب با «خلد» نشان‌دهنده‌ی عذابی پایدار جهان دیگر است که با توجه به سیاق آیات فوق شامل حال ظالمان می‌شود و سرانجام کفر و ظلم عذابی پایدار معرفی شده است.

۳-۲-۹- هم‌نشینی واژه «عذاب» با «خزی»

واژه «عذاب» دو مرتبه^۱ در قرآن کریم هم‌نشین مصدر «خزی» شده است. در فرهنگ لغت در معنای آن چنین آمده است: «خزی» به معنای هلاکت و وقوع در بلا یا است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق: ۳۵۳/۴). خزی به معنای هلاکت و وقوع در بلاها است که از سوی دیگران به انسان می‌رسد نوعی از استخفاف و سبکی است که در این معنی مصدرش خزی است؛ اگر منشأ خواری از خود انسان باشد مثل «الهون و الدَّلَّ» در این صورت ناپسند نیست چون دیگری بر او تحمیل نکرده و هرگاه استخفاف و خواری از سوی دیگر باشد می‌گویند: «الهون والهوان والدَّلَّ» که در این صورت ناپسند و مذموم است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۵۹۷/۱). خزی همان دُلّ همراه رسوایی است، البته عده‌ای آن را به معنای جلوگیری از فعل به دلیل زشتی آن می‌دانند (عسکری، ۱۳۹۰: ۱۶۸)؛ بنابراین درجه خواری و پستی در خزی بیشتر از ذل است.

از جمله‌ی آیات که در آن واژه‌ی «عذاب» هم‌نشین خزی شده عبارت است از آیه‌ی: ﴿... قَوْمٌ يُؤَسُّ لَمَا آَمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ﴾ (یونس / ۹۸)؛ «... مگر قوم یونس که وقتی (در آخرین لحظه) ایمان آوردند، عذاب رسوایی را در زندگی دنیا از آنان برطرف کردیم و تا چندی آنان را برخوردار ساختیم». حضرت یونس (علیه‌السلام) از طرف خداوند به‌سوی

۱. یونس / ۹۸؛ فصلت / ۱۶.

مردم شهر نینوا از سرزمین موصل مبعوث شد و چون مردم او را تکذیب کردند با حالت خشم از میان آن‌ها رفت، مردم وقتی دیدند پیامبر از بینشان رفته، از آمدن عذاب الهی ترسیدند، در پیشگاه خداوند به گریه و ناله پرداختند، حق تعالی عذاب را از آن‌ها برداشت و حال آنکه بر بالای سر آنها فرود آمده بود (طبرسی، ۱۳۷۵: ۹۹/۳). لازم به ذکر است که قوم حضرت یونس هرگز در برابر مجازات قطعی قرار نگرفته بودند و گرنه توبه آنان نیز پذیرفته نمی‌شد، بلکه هشدارها قبل از مجازات نهایی برای آن‌ها به قدر کافی بیدارکننده بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۸۹/۸)؛ بنابراین در آیات فوق به نظر می‌رسد هم‌نشینی واژه‌ی عذاب با خزی نشان‌دهنده‌ی عذابی است که انسان را ذلیل و خوار می‌کند که با توجه به سیاق آیات، ایمان و توبه به موقع سبب در امان ماندن از این عذاب می‌شود و عذاب خزی به خاطر کبر قوم عاد دامن‌گیر آنها شد و در هر دو آیه که خزی هم‌نشین واژه‌ی عذاب شده، مراد از آن عذاب دنیایی است.

۳-۲-۱۰- هم‌نشینی واژه «عذاب» با «سَمُوم»

واژه‌ی «سموم» بر وزن فَعُول یک مرتبه در قرآن کریم مضاف‌إلیه «عذاب» بکار رفته است. در فرهنگ لغت در معنای آن چنین آمده است: «السَّمُومُ بِمَعْنَى الرِّيحِ الْحَارَةِ» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۲۰۷/۷)؛ السَّمُوم به معنای باد گرم است و سَمَّ به معنای سوراخ است و زهر را از آن جهت سَمَّ گویند که در منافذهای پوست نفوذ می‌کند و هر سوراخ کوچک در بدن را سَمَّ (به فتح و ضم) می‌گویند (راغب إصفهانی، ۱۳۷۴ش: ۲۵۴/۲)؛ خدای متعال از زبان گناهکاران می‌گوید: ﴿فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ﴾ (واقعه/ ۴۲)؛ ﴿وَالْجَانَّ خَلْقْنَاهُ مِنْ قَبْلِ مِنْ نَارِ السَّمُومِ﴾ (حجر/ ۲۷) مراد از «سموم» در هر دو آیه عذاب نافذ است نار سموم آتش نافذ ظاهراً حرارت و یا نیروی مخصوصی است که جن از آن آفریده شده است (قرشی، ۱۴۱۲ق: ۳۲۷/۳).

آیه‌ای که در آن واژه‌ی «سموم» مضاف‌إلیه و هم‌نشین عذاب بکار رفته، عبارت است از: ﴿فَمَنْ أَلَّهِ عَلَيْنَا وَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ﴾ (طور/ ۲۷)؛ «پس خدا بر ما منت نهاد و ما را از عذاب گرم حفظ کرد». در این آیه واژه‌ی سموم هم‌نشین عذاب شده است. سموم، نام بادی سوزان است که از راه منافذ پوست بدن وارد بدن می‌شود که پوست را آب و صورت را بریان می‌کند و آتش جهنم سموم نامیده شده است (طبرسی، ۱۳۷۵: ۱۵۱/۶) و نظر عده‌ای چنین است که: سموم نامی از نام‌های جهنم است (همان، بی‌تا: ۳۵۳/۲۳). منت نهادن خدا بر اهل بهشت این است که ایشان را با داخل شدن در بهشت سعادت‌مند کرد و با نگهداری از عذاب سموم (آتش سوزان)، مشمول رحمت خود قرار داد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۱/۱۹)؛ بنابراین با توجه به سیاق آیه به نظر می‌رسد که هم‌نشینی واژه‌ی عذاب با سموم نشان‌دهنده‌ی عذاب اخروی با باد داغ و گرمی است که چون سم تأثیر کشنده دارد و

سوزنده است و این به خاطر نهایت گرمی و سوزندگی باد است که با توجه سیاق به آیه اهل بهشت و متقین از این عذاب در امان هستند.

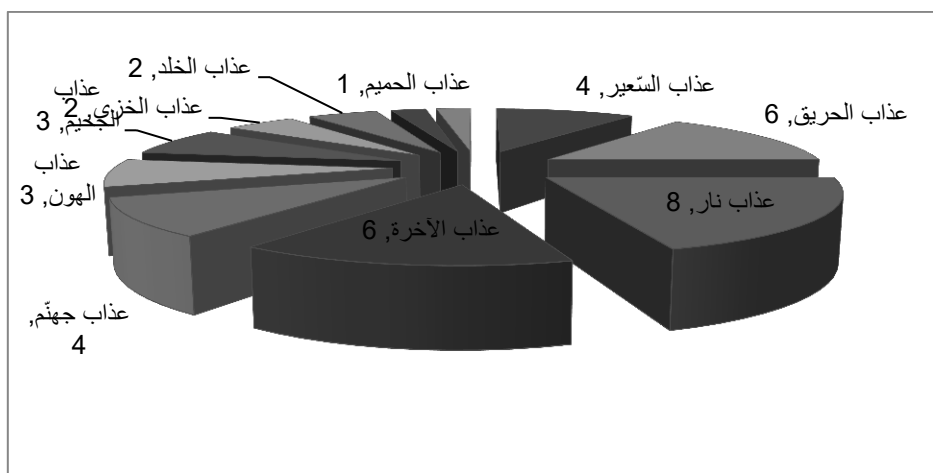
۳-۲-۱۱- هم‌نشینی واژه «عذاب» با «حمیم»

واژه «حمیم» بر وزن فعلیل یک مرتبه در قرآن کریم هم‌نشین «عذاب» واقع شده و شامل حال کافران و گمراهان است که در آخرت تمام اعضای آنها با آب جوشان حمیم گداخته می‌شود. در فرهنگ لغت در معنای آن چنین آمده است: «الْحَمِيمُ الْمَاءُ الْحَارُّ الشَّدِيدُ الْحَرَارَةِ يَسْقِي مِنْهُ أَهْلُ النَّارِ أَوْ يَصَبُ عَلَيَّ أَبْدَانَهُمْ» (طریحی، ۱۳۷۵: ۵۰/۶). حمیم به معنای آب داغ است که اهل آتش از آن می‌نوشند و بر بدن‌هایشان ریخته می‌شود. حمیم آب داغ و سوزان معنا شده است (جوهری، ۱۳۷۶ق: ۱۹۰۵/۵)؛ زمخشری، ۱۹۷۹م: ۱۴۳). این واژه بیست بار در قرآن مجید بکار رفته که شش مرتبه به معنی مهربان و بقیّه به معنی آب جوشان است (قرشی، ۱۴۱۲ق: ۱۸۴/۲).

آیه‌ای که در آن واژه «حمیم» مضاف‌إلیه عذاب بکار رفته، عبارت است از: ﴿ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ﴾ (دخان/ ۴۸)؛ «آنگاه از عذاب آب جوشان بر سرش فروریزید». در این آیه واژه‌ی عذاب با حمیم و صبّ هم‌نشین شده است واژه‌ی «صبّ» به معنای ریختن آب از بالا به پائین است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۳۶۹/۲) و در آیه فوق واژه‌ی «صبّ» هم‌نشین عذاب شده است، آیه به این مطلب اشاره دارد که در جهنم میوه‌ها، آب‌های داغ و لباس‌هایی هستند که همگی از آتش سوزان است (مغنیه، ۱۳۷۸: ۳۵/۷)؛ سپس به مأموران دوزخ دستور داده می‌شود، که بر ستمگر گناهکار، از عذاب سوزان بریزید به این ترتیب هم از درون می‌سوزند و هم از بیرون تمام وجودشان را آتش فرا می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۰۵/۲۱)؛ بنابراین در آیات فوق هم‌نشینی واژه‌ی عذاب با حمیم نشان‌دهنده‌ی عذاب با آب جوشانی است که در منتها درجه حرارت و ذوب‌کننده‌ی اعضا است که با توجه به سیاق آیه در عالم آخرت شامل حال کافران می‌شود که این مجازات به خاطر کفرشان در انتظار آنها است.



نمودار ۱: عذاب‌های دنیوی و اخروی در میان ترکیب‌های اضافی



نمودار ۲: ترکیب‌های اضافی مفرد هم‌نشین واژه عذاب

۴- نتیجه

مهم‌ترین نتایج به‌دست آمده در بررسی معناشناسی واژه‌ی عذاب در قرآن کریم و ترکیب‌های اضافی آن با تأکید بر رابطه هم‌نشینی عبارتند از:

عذاب به تنهایی نتیجه طبیعی عمل فرد است و به تنهایی دلالت بر شدت ندارد؛ اما هم‌نشینی آن در ترکیب‌های اضافی با واژگانی مانند: سعیر، جحیم، جهنم، حریق و غیره حالت و شدت آن را بیان می‌کند. با نگاه کلی به سیاق آیات عذاب در این ترکیب‌های اضافی ملاحظه می‌شود که آیاتی که واژه‌ی «عذاب» در آن بکار رفته‌اند، همگی سیاق انذار دارند و در خطاب به کفار، مشرکان، منافقان و... بیان شده‌اند و بیشتر سفارش‌های خداوند در قرآن کریم، به حفظ مفاهیمی مانند ایمان، عمل صالح و جلب رحمت الهی است و به کار بستن این اصول اخلاقی سبب نجات از عذاب الهی می‌شوند. ساختار آیات «عذاب» در ترکیب‌های اضافی حالت و شدت آن را بیان می‌کند؛ به عنوان مثال عذاب حریق آتشی است که یک‌چیز را شعله‌ور کرده و علاوه بر سوزندگی آن را نابود می‌کند و منظور از عذاب حریق آتش بر روی آتش است که شدت طبقات آتش و زبانه‌ی آتش را می‌رساند؛ عذاب جهنم نیز به معنای عمیق و ژرف بودن عذاب است این عذاب مفهوم عام‌تری دارد؛ عذاب سعیر آتشی است که زبانه کشیده و سوزنده است به همین جهت آتش در عود را به دلیل نداشتن این شرایط سعیر نمی‌گویند؛ عذاب حمیم نشان‌دهنده‌ی عذاب با آبی است که در انتها درجه حرارت و جوشان است؛ عذاب سموم نشان‌دهنده‌ی عذاب با باد داغ و گرمی است که چون سم تأثیر کشنده دارد و سوزنده است و عذاب خزی نشان‌دهنده‌ی عذابی است که انسان را ذلیل و خوار می‌کند و همان ذلّ همراه رسوایی است؛ اما درجه خواری و پستی در خزی بیشتر از ذلّ است. اکثر آیات عذاب در ترکیب‌های اضافی آن مخصوص آخرت است و فقط در چهار آیه که این واژه هم‌نشین سعیر، هون و خزی شده مخصوص دنیا است و در بیشتر آیات شدت عذاب آخرت با کلمات اکبر، ابقی، اشد، اشدّ و اشدّی بیان شده که نشان می‌دهد این عذاب بسیار بزرگ‌تر و سخت‌تر از عذاب دنیایی است و با توجه به سیاق آیات و مؤلفه‌های معنایی موجود در ترکیب‌های اضافی هم‌نشین واژه‌ی «عذاب»، می‌توان گفت «کفر»، «نفاق»، «فسق»، «ظلم»، «جرم» و غیره از اسباب زمینه‌ساز عذاب الهی می‌باشند.

فهرست منابع

فولادوند، محمد مهدی (۱۴۱۸ ق). ترجمه فارسی قرآن کریم (چاپ سوم). تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

ابن فارس، أحمد بن زکریا (۱۴۰۴ ق). معجم المقاییس اللغة. (تحقیق محمد هارون عبد السلام). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). لسان العرب (چاپ سوم). (تحقیق احمد فارس). بیروت: دار صادر.

ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۶۱ ش). *خدا و انسان در قرآن*. (ترجمه احمد آرام). تهران: سهامی انتشار.
ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۷۸ ش). *مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید*. (ترجمه فریدون بدره‌ای). تهران: نشر فرزاد.

بستانی، فؤاد أفرام (۱۳۷۵ ش). *فرهنگ ابجدی* (چاپ دوم). تهران: بی‌نا.
پالمر، فرانک رابرت (۱۳۹۱ ش). *نگاهی تازه به معنی‌شناسی* (چاپ ششم). (ترجمه کورش صفوی). تهران: نشر مرکز.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ ق). *الصحاح*. (تصحیح احمد عبد الغفور عطار). بیروت: نشر دار العلم للملایین.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴ ش). *مفردات الفاظ قرآن* (چاپ دوم). تهران: مرتضوی.
رضایی، رقیه و فتاحی‌زاده، فتحیه (۱۳۹۵ ش). «معناشناسی احباط در قرآن کریم با تأکید بر روابط هم‌نشینی و جانشینی». *پژوهش‌نامه تفسیر قرآن*، دوره ۳، شماره ۱، صفحه ۲۵ - ۱.
رکعی، محمد و نصرتی، شعبان (۱۳۹۶ ش). *میدان‌های معنایی در کاربست قرآنی*. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.

روبینز، آر. اچ (۱۳۹۳ ش). *تاریخ مختصر زبان‌شناسی* (چاپ دوازدهم). ترجمه‌ی علی محمد حق‌شناس. تهران: مرکز.

زمخشری، محمود بن عمر (۱۹۷۹ م). *أساس البلاغَة*. بیروت: دار صادر.
شریفی، علی (۱۳۹۴ ش). *معناشناسی قرآن در اندیشه شرق‌شناسان با تأکید بر ایزوتسو*. قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.

صاحب، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ ق). *المحیط فی اللغَة*. تصحیح محمدحسن آل یاسین. بیروت: عالم الکتب.
صفوی، کورش (۱۳۸۷ ش). *درآمدی بر معناشناسی* (چاپ سوم). تهران: سوره مهر.
طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴ ش). *تفسیر المیزان* (چاپ پنجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۵ ش). *تفسیر جوامع الجامع*. مشهد مقدس: آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن (بی‌تا). *تفسیر مجمع‌البیان*. تهران: فراهانی.
طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵ ش). *مجمع البحرین* (چاپ سوم). (تحقیق احمد حسینی اشکوری). تهران: مرتضوی.

عابدی جزینی، مهدی؛ ربانی، نفیسه؛ ربانی، زهره (۱۳۹۷). "بررسی طرح واره‌های تصویری «عذاب» در قرآن کریم از منظر زبان‌شناسی شناختی". *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*. سال پانزدهم، شماره ۳، صص ۱۲۸-۱۵۷.

عسکری، حسن بن عبدالله (۱۳۹۰ ش). *فرهنگ واژگان مترادف ترجمه کتاب الفروق فی اللغَة*. (ترجمه مهدی کاظمیان و زهرا رضاخواه). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ ق). *الفروق فی اللغَة*. بیروت: دارالافتاح الجدیدة.

فراهیدی، الخلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق). *العین* (چاپ سوم). (تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرای). قم: مؤسسه دارالهجره.

فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ ق). *القاموس المحيط*. بیروت: دار الکتب العلمیه.

قزائلی، محسن (۱۳۸۸ ش). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قرشی بنابی، علی‌اکبر (۱۳۷۵ ش). *تفسیر احسن الحدیث* (چاپ دوم). تهران: بنیاد بعثت.

قرشی، سید علی‌اکبر (۱۴۱۲ ق). *قاموس قرآن* (چاپ ششم). تهران: دارالکتب الإسلامیه.

قنبری، بخشعلی (۱۳۹۵ ش). *معناشناسی به مثابه روش*. تهران: انتشارات نو شناخت.

مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم* (چاپ سوم). بیروت: بی‌نا.

مغنیه، محمد جواد (۱۳۷۸ ش). *ترجمه تفسیر کاشف*. قم: بوستان کتاب انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۷۱ ش). *تفسیر نمونه* (چاپ دهم). تهران: دارالکتب الإسلامیه.

میرلوحی، سید علی (۱۳۹۲ ش). *ترادف در قرآن کریم*. قم: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

واسطی الزبیدی، مرتضی (۱۴۱۴ ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. (تصحیح علی شیرازی). بیروت: دار الفکر.